

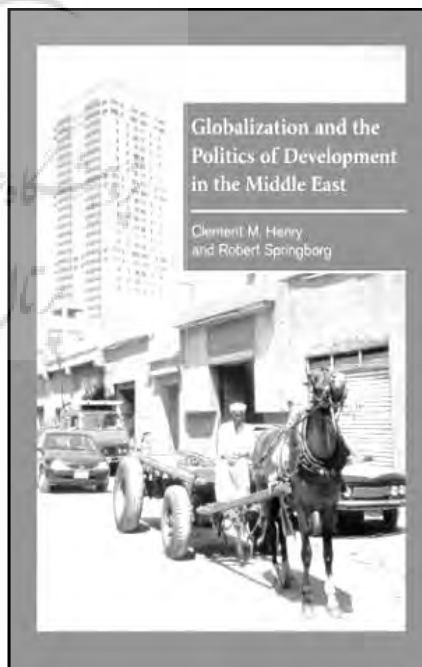
جهانی شدن و سیاست توسعه در خاورمیانه

درباره‌ی جهانی شدن و تأثیر آن بر اقتصادهای در حال توسعه مطالب زیادی نوشته شده است. برخی چنین استدلال آورده‌اند که ادغام سریع اقتصادهای ملی در شبکه‌ی جهانی تجارت، داد و ستد، ارتباطات و تولید، تأثیر نامطلوبی بر توانایی موجودیت‌های ملی در اداره‌ی امورشان به طور مستقل، گذاشته است. برخی دیگر با برجسته کردن آینده‌ی بزرگ و درخشانی که [این] ادغام با تجهیز اقتصادهای در حال توسعه به فرصت‌های تازه و دستیابی به دانش فنی به آنان می‌دهد، از زاویه‌ای متفاوت با جهانی شدن برخورد می‌کنند. مؤلفان کتابی که در حال بررسی آن هستیم، گرایش‌شان را به این یا آن دیدگاه به وضوح بیان نمی‌کنند. اما به نظر می‌رسد پیش‌فرض‌های بنیادی آنها به نفع رویکرد دوم است.

هنری و اسپرینگ بورگ استدلال می‌کنند که در خاورمیانه به جهانی شدن عموماً به منزله‌ی فرایندی نظیر استعمار نگریسته می‌شود. بنابراین، رهبری فعلی در اغلب دولت‌های خاورمیانه، فارغ از نوع حکومت‌شان، در پاسخ به نیروهای جهانی‌سازی تمایل به استفاده از معیاری سیاسی دارند و این عموماً نشانگر اولویت آن‌ها یعنی حفظ قدرت است. جهانی شدن که با اجزایش، یعنی تجارت آزاد، اقتصاد لیبرال، سیاست‌گذاری باز و مسئولیت‌پذیر و جامعه‌ی مدنی پویا تکمیل می‌شود از سوی بسیاری از رهبران به مثابه تهدیدی مستقیم بر حکومت‌شان تلقی می‌شود و دقیقاً همین جنبه است که کشورهای دموکراتیک را از کشورهای نفت‌خیز در منطقه متمایز می‌کند.

به نظر مؤلفان، دموکراسی‌هایی مثل ترکیه و اسرائیل که اجازه رشد و تداوم به جامعه‌ی مدنی می‌دهند، بیشتر از دیکتاتورهای نظامی‌ای مثل عراق، سوریه و الجزایر از فرآیند متقابل جهانی شدن نفع می‌برند. از طرف دیگر حکومت‌های سلطنتی که در جریان جهانی شدن قرار گرفته‌اند، در این فرآیند ادغام جهانی منافع کسب می‌کنند، هر چند که این منافع مشروط‌اند و سریعاً ناپدید می‌شوند. مؤلفان اکثر دولت‌های خاورمیانه را دولت‌هایی در «جست‌وجوی رانت» تعریف می‌کنند و دو منبع درآمد برون‌زاد را معین می‌کنند. دولت‌های تولیدکننده‌ی نفت در گذشته از دلارهای نفتی سود می‌بردند، دلارهایی که به آنها امکان توسعه‌ی اقتصادشان را می‌داد، اما در عین حال آنها را در برابر نوسانات قیمت آسیب‌پذیر می‌کرد. افت قیمت نفت پس از رونق [اقتصادی] سال

○ شهرام اکبرزاده (مدرسه تحقیقات اجتماعی و اقتصادی استرالیا)
مترجم: معصومه اکبرزاده لاله



- Globalization and the Politics of Development in Middle East
- Clement M. Henry and Robert Springborg
- Cambridge University Press
- 2001

این کتاب شامل مقالاتی از چهل بوم‌شناس،

کارشناس کشاورزی،

اقتصاددان و جامعه‌شناس معروف است که

در آغاز سال ۲۰۰۰ گرد هم آمدند

تا در این باب بحث کنند که محیط زیست روستایی

چگونه تحت تأثیر روندهای جهانی قرار می‌گیرد

کشاورزی صنعتی در افزایش تولید و کمک به کاهش

گرسنگی بسیار مؤثر بوده است، اما پرسش‌های مربوط

به اثرات اجتماعی

و زیست‌محیطی آن همچنان باقی می‌ماند

فنی است، با این حال برای یک فرد جامع‌الاطراف جالب است). میگوئل آلتیری و کلارا اینس نیکولس نیز در این فرآیند مستندسازی شرکت کردند و مثل همیشه بنیان‌هایی برای آن چیزی هستند که می‌توان «آگاهی معاصر کشاورزی» نامید، یعنی بینشی که معمولاً مطرح نمی‌شود. (و این امر، اسناد را غنی می‌سازد). راثول ورا تنوع بخش کشاورزی در آمریکا را ارائه می‌کند، اگرچه او روندی عمومی را می‌پذیرد که تعریف‌کننده‌ی مراحل است که در آن کشورهای مختلفی یافت می‌شوند. لذت‌بخش می‌بود اگر می‌دیدیم که کروسون چگونه تشخیص می‌دهد که اثرات تغییرات آب و هوایی در کشاورزی نسبت به اثرات جهانی شدن اقتصاد بر مناطق روستایی در درجه‌ی دوم اهمیت قرار دارد. کتاب از این شاخه به آن شاخه می‌پرد، از جنبه‌هایی خاص گرفته (مانند مقایسه‌ی زمین‌های کشت‌نشده با زمین‌هایی که به طور سنتی کشت شده) تا تعامل بازارهای بین‌المللی. به رغم این ویژگی‌ها و کانون‌های توجه خرد و کلان، خواننده به سادگی می‌تواند آن بخش‌هایی را که می‌خواهد مورد توجه قرار دهد، بیابد.

پی‌نوشت:

*Jorge I. Restrepo

این، دو مقاله‌ی قوی در مورد ابعاد اقتصادی - اجتماعی وجود دارد که در ارائه‌ی بنیان‌هایی مستحکم برای مقالات بعدی سهیم‌اند.

در فصل دوم، فناوری با توسعه مقایسه می‌شود، بدون آن که کانون جغرافیایی و بافت تاریخی روزگار ما مورد غفلت قرار گیرد. آنگاه فصل سوم تحت عنوان «اثرات سیاسی، تجاری و اقتصادی بر محیط‌های روستایی» به ما کمک می‌کند تا بازارها را به مثابه تسهیل‌کننده‌ی توسعه بررسی کنیم؛ این امر با ارائه‌ی شش مقاله‌ی جالب صورت می‌گیرد. این مقالات عقلانیت کسانی را مورد تفسیر قرار می‌دهند که اینک در زمره‌ی مشتریان (بازارهای) اصلی ما هستند. در فصل چهارم با عنوان «روابط شهری - روستایی» و در فصل پنجم با عنوان «نتیجه‌گیری و الزامات سیاسی»، منابع بیشتری برای بحث و برانگیختن تفکرمان فراهم می‌شوند. کتاب‌شناسی نقل شده توسط نویسندگان منبع مهم دیگری است که ما را به کتب بسیار مهمی رهنمون می‌سازد.

روچو فرناندز و سالبریگ آشکارا بیان می‌دارند که اگر می‌خواهیم نرخ تولید غذا بیشتر از نرخ رشد جمعیت باشد، لازم است که دو مسئله حل شوند: تأثیر زیست‌محیطی و کاهش فقر. در باب ابعاد زیست‌محیطی، نویسندگانی همچون امیلیو ساتوره نظام تولید کشاورزی و دامی پامپاس آرژانتین را به طور مفصل تحلیل می‌کنند. این مقاله‌ها منابع جالبی‌اند که می‌توانند سیاست‌گذاران محلی را ترغیب کنند که به جست‌وجوی این نوع از تحلیل‌های تفسیری در عرصه‌های خاص علاقت‌شان بپردازند. (اگرچه این مقاله کاملاً